

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## بازی شطرنج

هرچه خوردی نوش. جانت ، حاجت. کتمان نبود  
گر زما بُت کرده بودی ، از خدا پنهان نبود  
یا شراب. ناب خوردی ، یا کشیدی چرس و بنگ  
یا چشیدی پودر و تریاک ، چون غلیان نبود  
بیر و واین و وُدکه و وسکی ، ز دست. گلرخان  
بزم. گرمی بود برپا ، رخنه در ایمان نبود  
باده و. پیمانیه در گردش ، همه مست و خراب  
ذکر. خیری بود اما ، غیبت. یاران نبود  
**من بقربان شما ، ای حاجیان. باده نوش**  
ساغر. معنی لبالب ، حوری و غلمان نبود  
نوش. جان. دوستان ، بی ما اگر میل. شراب  
خالی. پیمانیه ما ، با کسی جنگان نبود  
با عزیزان در غیاب. بنده شرمنده ، چند  
شعری نغزی را سروده ، از منت پُرسان نبود  
وزن و سیلابش مُعنبر ، با ردیف و قافیه  
مشک. خوشبویی ، بجز از سوی. ما بیزان نبود

هر يك از انگليس و امريكا و حتى ، جرمني  
 كودتا كردند اما ، ( **موش** ) در جريان نبود  
 زانكه او در فكر ( **يونس جان قانوني** ) شده  
 كـرسي جمهور ، جاي پيرهن تنبان نبود  
 گرچه او را عينك و ريش است ، مثل بـودنه  
 هر بگيل ماده خويي ، وارد ميدان نبود  
 با عصاي چوب خارش ، لنگ لنگان پشت بوش  
 ورنه در ( **شورا** ) رياست كردنش آسان نبود  
 بعد كرزي ، نوكر ثاني بگيرد جاي او  
 بازي شطرنج را بهتر ز اين و آن نبود  
 حال برگردم سر موضوع كه كردند انقلاب  
 خامه بشكسته ام را ، جرأت جولان نبود  
 راکت و خمپاره هاي دوستي از هر طرف  
 آنقدر باريد ، گويي حاجت باران نبود  
 ملك جان آزاد گشت و شهر دل تسخير شد  
 باغك طبع روانم ، بي گل و ريحان نبود  
 از خراب آباد دل ، آباد كردم خانه اي  
 مرغ بسمل را به جز آن لانه ويران نبود  
 دانه در دام هوس پاشيد ، اندك اندكي  
 خرمن هستي ما ، جز كاهي در كاهدان نبود  
 گفت ( **حاجي** ) ! شش نفر پختيم ، آش مزه دار  
 ديگ ما را طاقت كفگير « نعمت جان » نبود